

حضرت علی (ع) نخستین فرزند خانواده هاشمی است که پدر و مادر او هر دو فرزند هاشم اند . پدرش ابوطالب فرزند عبدالمطلب فرزند هاشم بن عبدمناف است و مادر او فاطمه دختر اسد فرزند هاشم بن عبدمناف می باشد . خاندان هاشمی از لحاظ... فضائل اخلاقی و صفات عالیه انسانی در قبیله قریش و این طایفه در طوایف عرب ، زبانزد خاص و عام بوده است . فتوت ، مروت ، شجاعت و بسیاری از فضایل دیگر اختصاص به بنی هاشم داشته است . يك از این فضیلتها در مرتبه عالی در وجود مبارك حضرت علی (ع) موجود بوده است . فاطمه دختر اسد به هنگام درد زایمان راه مسجدالحرام را در پیش گرفت و خود را به دیوار کعبه نزدیک ساخت و چنین گفت : خداوندا ! به تو و پیامبران و کتابهایی که از طرف تو نازل شده اند و نیز به سخن جدم ابراهیم سازنده این خانه ایمان راسخ دارم . پرودگارا ! به پاس احترام کسی که این خانه را ساخت ، و به حق کودکی که در رحم من است ، تولد این کودک را بر من آسان فرما ! لحظه ای نگذشت که دیوار جنوب شرقی کعبه در برابر دیدگان عباس بن عبدالمطلب و یزید بن تعف شکافته شد . فاطمه وارد کعبه شد ، و دیوار به هم پیوست . فاطمه تا سه روز در شریفترین مکان گیتی مهمان خدا بود . و نوزاد خویش سه روز پس از سیزدهم رجب سی ام عام الفیل فاطمه را به دنیا آورد . دختر اسد از همان شکاف دیوار که دوباره گشوده شده بود بیرون آمد و گفت : پیامی از غیب شنیدم که نامش را علی بگذار .

پس از وحی خدا و برگزیده شدن حضرت محمد (ص) به پیامبری و سه سال دعوت مخفیانه ، سرانجام پیک وحی فرا رسید و فرمان دعوت همگانی داده شد . در این میان تنها حضرت علی (ع) مجری طرحهای پیامبر (ص) در دعوت الهی و تنها همراه و دلسوز آن حضرت در ضیافتی بود که وی برای آشنا کردن خویشاوندانش با اسلام و دعوتشان به دین خدا ترتیب داد . در همین ضیافت پیامبر (ص) از حاضران سؤال کرد : چه کسی از شما مرا در این راه کمک می کند تا برادر و وصی و نماینده من در میان شما باشد ؟ فقط علی (ع) پاسخ داد : ای پیامبر خدا ! من تو را در این راه یاری می کنم پیامبر (ص) بعد از سه بار تکرار سؤال و شنیدن همان جواب فرمود : ای خویشاوندان و بستگان من ، بدانید که علی (ع) برادر و وصی و خلیفه پس از من در میان شماست . از افتخارات دیگر حضرت علی (ع) این است که با شجاعت کامل برای خنثی کردن توطئه مشرکان مبنی بر قتل رسول خدا (ص) در بستر ایشان خوابید و زمینه هجرت پیامبر (ص) را آماده ساخت .

حضرت علی (ع) بعد از هجرت :

بعد از هجرت حضرت علی (ع) و پیامبر (ص) به مدینه دو نمونه از فضایل علی (ع) را بیان می نمائیم :

1 - جانبازی و فداکاری در میدان جهاد : حضور وی در 26 غزه از 27 غزه پیامبر (ص) و شرکت در سریه های مختلف از افتخارات و فضایل آن حضرت است .

2 - ضبط و کتابت وحی (قرآن) کتابت وحی و تنظیم بسیاری از اسناد تاریخی و سیاسی و نوشتن نامه های تبلیغی و دعوتی از کارهای حساس و پراج امام (ع) بود . ایشان آیات قرآن چه مکی و چه مدنی ، را ضبط می کرد . به همین علت است که وی را از کاتبان وحی و حافظان قرآن به شمار می آورند . در این دوران بود که پیامبر (ص) فرمان اخوت و برادری مسلمانان را صادر فرمود و با حضرت علی (ع) پیمان برادری و اخوت بست و به حضرت علی (ع) فرمود : تو برادر من در این جهان و سرای دیگر هستی . به خدایی که مرا به حق برانگیخته است ... تو را به برادری خود انتخاب می کنم ، اخوتی که دامنه آن هر دو جهان را فرا گیرد . حضرت علی (ع) داماد رسول اکرم (ص) عمر و ابوبکر با مشورت با سعد معاذ رئیس قبیله اوس دریافتند جز علی (ع) کسی شایستگی زهرا (س) را ندارد . لذا هنگامی که علی (ع) در میان نخلهای باغ یکی از انصار مشغول آبیاری بود موضوع را با ایشان در میان نهادند و ایشان فرمود : دختر پیامبر (ص) مورد میل و علاقه من است . و به سوی خانه رسول به راه افتاد . وقتی به حضور رسول اکرم (ص) رسید ، عظمت محضر پیامبر (ص) مانع از آن شد که سخنی بگوید ، تا اینکه رسول اکرم (ص) علت رجوع ایشان را جویا شد و حضرت علی (ع) با تکیه به فضایل و تقوا و سوابق درخشان خود در اسلام فرمود : آیا صلاح می دانید که فاطمه را در عقد من درآورید ؟ پس از موافقت حضرت زهرا (س) آن حضرت به دامادی رسول اکرم (ص) نائل آمدند .

غدیر خم:

پیامبر (ص) بعد از اتمام مراسم حج در آخرین سال عمر پربرکتش در راه برگشت در محلی به نام غدیرخم در نزدیکی جحفه دستور توقف داد ، زیرا پیک وحی فرمان داده بود که پیامبر (ص) باید رسالتش را به اتمام (9) برساند . پس از نماز ظهر پیامبر (ص) بر بالای منبری از جهاز شتران رفت و فرمود : ای مردم ! نزدیک است که من دعوت حق را لبیک گویم و از میان شما بروم درباره من چه فکر می کنید ؟ مردم گفتند : گواهی می دهیم که تو آیین خدا را تبلیغ می کردی پیامبر فرمود : آیا شما گواهی نمی دهید که جز خدای یگانه ، خدایی نیست و محمد بنده خدا و پیامبر اوست ؟

مردم گفتند: آری، گواهی می‌دهیم. سپس پیامبر (ص) دست حضرت علی (ع) را بالا گرفت و فرمود: ای مردم! در نزد مؤمنان سزاوارتر از خودشان کیست؟ مردم گفتند: خداوند و پیامبر او بهتر می‌دانند. سپس پیامبر فرمود: ای مردم! هر کس من مولا و رهبر او هستم، علی هم مولا و رهبر اوست. و این جمله را سه بار تکرار فرمودند. بعد مردم این انتخاب را به حضرت علی (ع) تبریک گفتند و با وی بیعت نمودند.

حضرت علی (ع) بعد از رحلت رسول اکرم (ص):

پس از رحلت رسول اکرم (ص) به علت شرایط خاصی که بوجود آمده بود، حضرت علی (ع) از صحنه اجتماع کناره گرفت و سکوت اختیار کرد. نه در جهادی شرکت می‌کرد و نه در اجتماع به طور رسمی سخن می‌گفت. شمشیر در نیام کرد و به وظایف فردی و سازندگی افراد می‌پرداخت. فعالیت‌های امام در این دوران به طور خلاصه اینگونه است:

- 1- عبادت خدا آنهم در شان حضرت علی (ع)
- 2- تفسیر قرآن و حل مسائل دینی و فتوای حکم حوادثی که در طول 23 سال زندگی پیامبر (ص) مشابه نداشت.
- 3- پاسخ به پرسش‌های دانشمندان ملل و شهرهای دیگر.
- 4- بیان حکم بسیاری از رویدادهای نوظهور که در اسلام سابقه نداشت.
- 5- حل مسائل هنگامی که دستگاه خلافت در مسائل سیاسی و پاره‌ای از مشکلات با بن بست روبرو می‌شد.
- 6- تربیت و پرورش گروهی که از ضمیر پاک و روح آماده، برای سیر و سلوک برخوردار هستند.
- 7- کار و کوشش برای تأمین زندگی بسیاری از بینوایان و درماندگان تا آنجا که با دست خویش باغ احداث می‌کرد و قنات استخراج می‌نمود و سپس آنها را در راه خدا وقف می‌نمود.

خلافت حضرت علی (ع):

در زمان خلافت حضرت علی (ع) جنگ‌های فراوانی رخ داد از جمله صفین، جمل و نهروان که هر یک پیامدهای خاصی به دنبال داشت.

شهادت امام علی (ع):

بعد از جنگ نهروان و سرکوب خوارج برخی از خوارج از جمله عبدالرحمان بن ملجم مرادی، و برك بن عبدالله تمیمی و عمرو بن بکر تمیمی در یکی از شبها گرد هم آمدند و اوضاع آن روز و خونریزی‌ها و جنگ‌های داخلی را بررسی کردند و از نهروان و کشتگان خود یاد کردند و سرانجام به این نتیجه رسیدند که باعث این خونریزی و برادرکشی حضرت علی (ع) و معاویه و عمروعاص است. و اگر این سه نفر از میان برداشته شوند، مسلمانان تکلیف خود را خواهند دانست. سپس با هم پیمان بستند که هر یک از آنان متعهد کشتن یکی از سه نفر گردد. ابن ملجم متعهد قتل امام علی (ع) شد و در شب نوزدهم ماه رمضان همراه چند نفر در مسجد کوفه نشستند. آن شب حضرت علی (ع) در خانه دخترش مهمان بودند و از واقعه صبح با خبر بودند، وقتی موضوع را با دخترش در میان نهاد، ام کلثوم گفت: فردا جعه را به مسجد بفرستید. حضرت علی (ع) فرمود: از قضای الهی نمی‌توان گریخت. آنگاه کمر بند خود را محکم بست و در حالی که این دو بیت را زمزمه می‌کرد عازم مسجد شد. کمر خود را برای مرگ محکم ببند، زیرا مرگ تو را ملاقات خواهد کرد. و از مرگ، آنگاه که به سراي تو درآید. جزع و فریاد مکن ابن ملجم، در حالی که حضرت علی (ع) در سجده بودند، ضربتی بر فرق مبارک خون از سر حضرتش در محراب جاری شد و محاسن آن حضرت وارد ساخت. شریفش را رنگین کرد. در این حال آن حضرت فرمود: فزت و رب الکعبه به خدای کعبه سوگند که رستگار شدم سپس آیه 55 سوره طه را تلاوت فرمود: شما را از خاک آفریدیم و در آن بازتان می‌گردانیم و بار دیگر از آن بیرونتان می‌آوریم. حضرت علی (ع) در واپسین لحظات زندگی نیز به فکر صلاح و سعادت مردم بود و به فرزندان و بستگان و تمام مسلمانان چنین وصیت فرمود: شما را به پرهیزکاری سفارش می‌کنم و به اینکه کارهای خود را منظم کنید و اینکه همواره در فکر اصلاح بین مسلمانان باشید. یتیمان را فراموش نکنید، حقوق همسایگان را مراعات کنید. قرآن را برنامه‌ی عملی خود قرار دهید. نماز را بسیار گرامی بدارید که ستون دین شماست. حضرت علی (ع) در 21 ماه رمضان به شهادت رسید و در نجف اشرف به خاک سپرده شد، و مزارش میعادگاه عاشقان حق و حقیقت شد.